

جامعه بهایان ایران و «وظیفه دفاع» از آنان

بر روی مظاهر و دستاوردهای تمدن و تاریخ و فرهنگ ایران بکشد؟ به همین دلیل است که می بینیم بلندپایگان و نامداران قلمرو تاریخ و فرهنگ مان عرب و ترک معرفی و شناسانده می شوند.

جز این است که جمهوری اسلامی با نقض فاحش منشور جهانی حقوق بشر، با سلب

آزادی های فردی و جمعی بی اعتنا به اعتراض های جهانی، گروه گروه دگراندیشان را به زندان می کشد و شکنجه می دهد و اعدام می کند؟ جز این است که حکومت اسلامی با سلب امنیت و تهدید فعالیت های سالم، نه فقط به آزار و اذیت دگراندیشان می پردازد، بلکه باورمندان آیین های دیگر را نیز به زندان می کشد، شکنجه می دهد و با فتوای مجتهدان احساسات عوام را تحریک می کند تا به ضرب و شتم و حتی قتل آن ها بپردازد.

با نگاهی به کارنامه حکومت اسلامی درمی یابیم که طی سی سال حاکمیت خود بیش از دویست بهایی را فقط به علت اعتقاد به دین و آیینی دیگر، به قتل رسانده است و این علاوه بر صدها هموطن بهایی است که به زندان رفته یا مورد ضرب و شتم واقع شده و خانه و یا محل کارشان را به آتش کشیده اند.

بهایی ها طی این سال ها نه فقط از مشاغل خود رانده شده اند بلکه صدها نوجوان و جوان بهایی از مدارس و دانشگاه ها اخراج گشته اند.

بی مناسبت نیست که دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران و فعالان سیاسی در ایران و جهان در نامه سرگشاده ای به جامعه بهایی، به عنوان انسان بقیه در صفحه چهاردهم ستون اول



۷ تن از رهبران بهایان ایران در اردیبهشت ماه به اتهام «جاسوسی» دستگیر شدند.

من برای جامعه بهایی احترامی خاص قایلیم، چرا که می بینم آن ها طی ۱۶۵ سال به رغم فشارها و تضيیقات شدید هنوز در میهن خود مانده اند تا مسولیت ها و وظایف خویش را انجام دهند.

از: فرهنگ فرهی (امریکا)

اعلام نظر یک مرد سویسی مبنی بر این که ما باید در هفت شگفتی جهان تجدید نظر کنیم، زیرا اولاً، جز اهرام ثلاثه بقیه نابود شده اند و ثانیاً، شگفتی های تازه تری هستند که شگفتی های جهان باستان در مقابل آن ها کوچک می نمایند، در رسانه های جهان بازتاب گسترده ای یافت، تا آن جا که به آرای عمومی جهانیان مراجعه شد و یونسکو نیز در این امر مهم مشارکت کرد و به بررسی آرا پرداخت. از عجایب جهان دویست بنا و نهاد مهم انتخاب شدند که از آن میان، یونسکو هفتاد، هشتاد بنا را برگزید، از جمله مسجد ایاصوفیه (در ترکیه)، برج ایفل (در فرانسه)، تاج محل (در هند)، مجسمه آزادی (در امریکا)، اکروپولیس (در یونان) و شهر الحمرا (در اسپانیا).

فقط از ایران خبری نبود. نه از تخت جمشید، نه از مسجد شیخ لطف اله و مسجد جامع اصفهان، نه از میدان نقش جهان و نه از به راستی چرا؟ جز این که حکومت اسلامی طی این سی سال، هر روز ایران را در پهنه جهان با اتخاذ یک سیاست انزواجویانه و کینه توزانه منزوی و منزوی تر ساخته است؟ جز این است که با کاربرد یک ایدئولوژی تعصب آمیز می کوشد تا امت را در مقابل ملت علم کند و قلم بطلان

جامعه بهایان ایران و «وظیفه دفاع» از آنان

بقیه از صفحه یازدهم

های ایرانی احساس شرمساری کرده اند. من نیز به عنوان روزنامه نگاری مسوول از برخورد بی رحمانه و خشونت آمیز حکومت در قبال جامعه سیصد هزار نفری بهایی در ایران حیرت زده و شرمگین از سکوت روشنفکران ایرانی در دوران پیشین بر بیانیه ای که اینک روشنفکران ایرانی امضا کرده اند صحنه می گذارم. به راستی هم باید شرمگین بود از سکوت روشنفکران پیشین وقتی در حکومت پادشاهان دیکتاتور قاجار جان و مال و ناموس و آزادی های فردی و جمعی بهاییان مورد تعرض شدید واقع می شد و خانه ها و محل کارشان بی رحمانه در آتش کینه و خشونت ماموران ظالم و افراد متعصب می سوخت.

من با خواندن هر غزل بلند قره العین، بزرگ بانوی مقاومت و غزل سرای پرآوازه ایرانی که به جرم اعتقاد به باور دینی دیگر به آن طرز فجیع به قتل رسید، نمی توانم از ابراز شرمساری خودداری

کنم. من وقتی می دیدم هموطن بهایی من که دردانشگاه و درمحل کار درکنار من تحصیل می کرد و اشتغال داشت رتبه اول را در دانشگاه احراز کرده است و به عنوان یک شهروند منزه و فعال کار خود را مسوولانه انجام می دهد اما به دلیل باور مذهبی اش محکوم به محرومیت از ابتدایی ترین حقوق خود شده است، احساس شرمساری می کردم.

من برای جامعه بهایی احترامی خاص قایلیم، چرا که می بینم آن ها طی ۱۶۵ سال به زعم فشارها و تضيیقات شدید که شمه ای از آن ها را بر شمردم هنوز در میهن خود مانده اند تا مسوولیت ها و وظایف خویش را انجام دهند، به عنوان یک ایرانی احساس سرفرازی می کنم. اگر بپذیریم که سیصد هزار بهایی در ایران سکونت دارند بلافاصله باید بپذیریم که این ده ها هزار بهایی برای رسیدگی به امور اداری و روحانی خود و سروسامان دادن به نیازهایشان گروهی

را برمی گزینند، چنان که در کشورهای دیگر نیز با این که شمار بهایی ها به مراتب کمتر از تعدادشان در ایران است، به انتخاب محفل پرداخته اند. حتی به نمایندگی ۱۷۹ محفل روحانی ملی در جهان، یک کرسی نمایندگی هم در سازمان ملل متحد احراز کرده اند، اما اعضای این محفل در ایران بارها و بارها سرکوب و اعدام شده اند و یا مورد آزار و ایذا و غارت قرار گرفته اند. حتی در دوران شاه نیز با تحریک و دسیسه و پرونده سازی تأمینات و سازمان امنیت خشونت هایی اعمال می شد که کم و بیش از آن ها آگاهی داریم که بعد از انقلاب در همان سال نخست نه تن از اعضای محفل روحانی ربوده، ناپدید و اعدام شدند. حکومت در تمام این سال ها از طریق مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سایت های اینترنتی و حتی فیلم، با بهاییان مبارزه کرده و اقدامات سازمان یافته ای علیه آن ها انجام داده است. نمایندگی جامعه بهاییان در سازمان

ملل متحد گزارشی را در سال ۱۳۸۴ ارائه داد در ارتباط با نامه محرمانه ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران خطاب به نهادهای امنیتی و تشکیلات پلیس و سپاه پاسداران که از آن ها خواسته شده بود که بهاییان را در سراسر کشور شناسایی کنند و زیر نظر بگیرند که این دستورالعمل موجب نگرانی شدید سازمان های جهانی حقوق بشر شد.

در این سال، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری نیز طی نامه ای به ۸۱ دانشگاه دستور اخراج دانشجویان بهایی را داد. اشتغال بهاییان در ادارات و نهادهای دولتی و حتی خصوصی همچنان ممنوع است و حتی آزار و ایذای مستجران بهایی توسط مالکان مثل قطع برق و گاز و ربودن محمولات پستی با حمایت پلیس اوج گرفته است.

وظیفه همه ما که در سینه خود قلبی ایرانی داریم این است که با تمامی قوا به دفاع از جامعه بهاییان ایران بپردازیم. ■

کناره

بقیه از صفحه
 خود را بشو
 موسوی
 و عراق و
 کرد. ماه
 رسماً نام
 هایی در
 نامزد مقام
 و در مصاح
 انجام داد
 وی باید در
 محمد خان
 چهره خا
 طرفداران
 معرفی نک
 با کنار
 کروی و می
 مانده اند
 جمهوری
 دوره بعدی
 این باره س
 میرحسین
 نظام جمه

